

[مسئله 16: دوران أمر بین رکوع ایمائی در حال قیام، یا رکوع جلوسی 1](#_Toc87946250)

[بیان دلیل مشهور در تعین رکوع جلوسی 1](#_Toc87946251)

[قول مقابل مشهور مبنی بر تعین قیام با ایماء 3](#_Toc87946252)

[توجیه قول به تعین قیام با ایماء به رکوع و جواب از آن 4](#_Toc87946253)

[کلام محقق سیستانی در بیان اطلاق بدلیت ایماء یا اطلاق شرطیت قیام 5](#_Toc87946254)

[مناقشه در بیان محقق سیستانی 7](#_Toc87946255)

**موضوع**: قیام با ایماء به رکوع یا رکوع جلوسی /قیام /صلاۀ

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته اشاره ای به مسئله 16 و 17 از مسائل قیام عروه شد و اجمالا دو قول مشهور و غیر مشهور مبنی بر تقدم رکوع جلوسی بر رکوع ایمایی و یا عدم تقدم آن مطرح گردید. در این جلسه به بیان ادامه بررسی مسئله 16 پرداخته می شود.

# مسئله 16: دوران أمر بین رکوع ایمائی در حال قیام، یا رکوع جلوسی

سید می فرماید:

«إذا تمكن من القيام لكن لم يتمكن من الركوع قائما جلس و ركع جالسا و إن لم يتمكن من الركوع و السجود صلى قائما و أومأ للركوع و السجود....»[[1]](#footnote-1)

بحث در دوران أمر بین قیام و ایماء به رکوع و یا جلوس و انجام رکوع جلوسی بود. مشهور قائل به تعین رکوع جلوسی شده بودند، در مقابل برخی قائل به تعین قیام همراه با ایماء به رکوع شده بودند، برخی هم در این مسئله احتیاط کرده و فرموده اند که دو نماز بخواند مانند شهید صدر، برخی نیز مانند صاحب تعالیق مبسوطه بر عروه و یاصاحب کتاب فقه الصادق قائل به تخییر شده اند.

## بیان دلیل مشهور در تعین رکوع جلوسی

مشهور مثل محقق خویی در این مسئله، فرموده اند که رکوع جلوسی حقیقتا رکوع است و وظیفه به ایماء انتقال پیدا نمی کند، مگر در صورت عجز از رکوع حقیقی، بنابراین ادله ایماء شامل مقام نیست و رکوع جلوسی متعین است. ایشان می فرمایند ما در نماز به رکوع مأمور هستیم و أدله ای همچون ﴿یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا﴾[[2]](#footnote-2)یا روایت موثقه سماعۀ که در آن آمده است که سوال می کند که آیا رکوع و سجود در قرآن آمده است، حضرت این آیه را می خوانند و می فرمایند آمده است، بیانگر وظیفه رکوع هستند که این رکوع شامل رکوع جلوسی که حقیقتا رکوع است می شود ولی شامل ایماء نمی شود. محقق تبریزی نیز در این مسئله همین مطلب را بیان فرموده اند.

 این مطلب با این اشکال مواجه است که باید چند مطلب را ثابت کنند:

1. اولا اطلاقی در دلیل رکوع وجود داشته باشد که در خصوص این مقام اقتضاء کند که حال که نمی توان رکوع قیامی کرد، رکوع جلوسی کنیم. ادعا می کنند که ادله رکوع مثل ﴿یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا﴾[[3]](#footnote-3)و «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ مِنَ الصَّلَاةِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُود»[[4]](#footnote-4) اطلاق دارد.
2. علاوه بر این باید اطلاق دلیل صلاۀ قیامی را انکار کنند. لذا صرف اینکه اطلاق ادله رکوع پذیرفته شود کافی نیست؛ چرا که اگر اطلاق امر به صلاۀ قیامی انکار نشود، تعارض رخ می دهد. گفته می شود که چطور اطلاق امر به نماز قیامی را انکار کنیم درحالی که مقتضای «الصحیح یصلی قائما» و «ان استطعم فصلوا قیاما» این است که ایستاده نماز خوانده شود. ایستاده بودن متناسب با هر جزئی است. در حال قرائت ایستادن به این است که نشسته نباشیم و در حال رکوع ایستادن به این است که با رکوع قیامی باشد و اگر نشد، با ایماء همراه باشد. شاهد این مطلب این است که اگرکسی عاجز از رکوع قیامی شود ومجبور به ایماء شود، نمی تواند بنشیند و ایماء به رکوع کندو باید در همان حالت ایستاده ایماء کند. بنابراین قیام در هر حال باید رعایت شود.

اگر کسی بخواهد قول مشهور را مبنی بر تعین رکوع جلوسی اثبات کند، باید دو مطلب را اثبات کند: اول اطلاق در دلیل رکوع که گفته شود رکوع ظاهر در رکوع حقیقی است و وقتی نتوان رکوع قیامی انجام داد باید جلوسی انجام داد، دوم اینکه اطلاق در دلیل صلاۀ قیامی انکار شود و گفته شود این مقدار اطلاق ندارد که کسی که قادر بررکوع قیامی نیست، حتما بایستد و ایماء کند. اگر این اطلاق انکار نشود، دو دلیل با هم تعارض می کنند.

1. راه دیگر این است که اطلاق هر دو دسته از دلیل انکار شود؛ مثلا با مبانی محقق زنجانی این مطلب سازگار است که بگویند اطلاقات قیام و رکوع، از این فرض که شخص نمی تواند رکوع قیامی کند منصرف است و هیچ کدام اطلاق ندارند؛ در اینصورت باز هم رکوع جلوسی مقدم می شود کما اینکه محقق زنجانی نیز قائل هستند؛ دلیل ایشان این است که مرتکز متشرعه این است که حال که نمی توان رکوع قیامی را انجام داد، آنچه اقرب به رکوع قیامی نیست، رکوع جلوسی است. یعنی در مرتکز متشرعه رکوع جلوسی اقرب به قیامی است.

برخی سوال می کنند که چرا گفته نشود که عرفا رکوع است و از این باب مقدم است؟ جواب این است که فرض گرفتیم هیچ کدام از دلیل ها اطلاق ندارند، لذا وجهی برای تقدم رکوع عرفی بر قیام نیست، مگر اینکه وجه ارتکازی آورده شود. بنابراین این قول مشهور به تعین رکوع جلوسی، مبتنی بر دو راه است: یا اینکه اطلاق ارکعوا شامل مقام شود و اطلاق صلاۀ قیامی شامل مقام نشود، یا اینکه اطلاق هر دو دسته دلیل انکار شود و با تمسک به ارتکاز متشرعه قیامی رکوعی متعین گردد؛ چرا که اقرب به رکوع قیامی است. البته برخی مثل محقق خویی صرف اقربیت را دلیل نمی دانند و می فرمایند صرف استحسان است. از بیان مطالب روشن شد که بدیهی است اگر اطلاق هر دو دلیل مورد قبول واقع شود، تعارض و تساقط می کنند.

## قول مقابل مشهور مبنی بر تعین قیام با ایماء

قول دوم کلام محقق سیستانی در این مسئله، و همچنین کلام محقق خویی و تبریزی در مسائل رکوع است که می فرمایند قیام و ایماء الی الرکوع متعین است. محقق خویی در بیان دلیل این مسئله فرموده اند: رکوع جلوسی برای کسی است که عاجز از قیام باشد، در حالی که در فرض مزبور، شخص قادر بر قیام است؛ لذا باید قیاما بخواند. عبارت ایشان چنین است:

«أنّه لو تمكّن من الصلاة عن قيام كما هو محل الكلام، و لم يتمكّن من الركوع القيامي فليست وظيفته إلّا الإيماء إليه، و لا ينتقل إلى الركوع الجلوسي، فإنّه وظيفة العاجز عن القيام الّذي يصلِّي عن جلوس و المفروض في المقام أنّه يصلِّي عن قيام لقدرته عليه. فظهر أنّ‌ الأقوى في هذه الصورة أيضاً هو الإيماء»[[5]](#footnote-5)

محقق تبریزی نیز در تنقیح مبانی العروۀ شبیه این مطلب را فرموده اند. تعبیر ایشان چنین است:

«و ممّا ذكرنا يظهر أنه لو دار الأمر بين أن يصلي قائما بالإيماء للركوع لعدم تمكّنه من الانحناء أصلا أو يصلي قائما و يركع جالسا يتعين أن يصلي قائما بالايماء»[[6]](#footnote-6)

با اینکه ایشان در مسئله 16فرموده بودند که:

«لاینبغی التأمل فی انتقال الوظیفۀ الی الرکوع جالسا...»[[7]](#footnote-7)

### توجیه قول به تعین قیام با ایماء به رکوع و جواب از آن

این قول مبتنی بر این است که: اولا اطلاقی در دلیل ایماء اثبات شود که بگوید هر کسی عاجز از رکوع مناسب با نمازی که می خواند باشد، ایماء کند. بعد می گویند این آقا رکوع متناسب با نمازی که می خواند رکوع عن قیام است، وقتی عاجز از این رکوع بشود، انتقال به ایماء می یابد. ما چنین اطلاقی را در ایماء نیافتیم. بلی، در مورد عاری یصلی مومیا مطرح شده است ولی ارتباطی به این بحث ندارد؛ زیرا نماز عریان در هر حال ایماء است و اگر بنشیند نیز باید ایمائی به جا آورد، علاوه بر اینکه بحث عریان دلیل نمی شود که در این بحث نیز ایماء مقدم شود. در ایماء سجودش نیز ایمائی است و اصلا با بحث قابل قیاس نیست. بنابراین ما چنین اطلاقی نداریم. ممکن است کسی بگوید که ما نیازی به اطلاق در دلیل ایماء نداریم، بلکه خود اطلاق دلیل امر به نماز قیامی این مطلب را اقتضاء می کند؛ بدین بیان که امر به صلاۀ قائما اطلاق دارد و می گوید تا زمانی که می توانید بایستید بایستید، و نباید نشسته باشید. به نظر ما انصافا از روایاتی که می گوید «إن استطعتم فصلوا قیاما» این مطلب را نمی توان فهمید که در حال رکوع که عاجز از رکوع قیامی هستیم، باز هم باید ایستاد ولو اینکه منجر به ترک رکوع شود. این ادله چنین اطلاقی ندارند. به قول محقق همدانی این روایت انصراف به همین نماز های ایستاده متعارف دارد. یعنی اگر می توانید نماز ایستاده بخوانید و اگر نمی توانید نشسته بخوانید. دیگر نمی توان گفت که نماز ایستاده ولو با ایماء به رکوع، بر نماز نشسته مقدم است. علاوه بر اینکه شخص فقط رکوع را می خواهد جلوسی انجام دهد و کاری منافی با ادله اعتبار قیام انجام نداده است، زیرا تا زمانی که رکوع کند ایستاده است و ایستادن را رعایت کرده است و اصلا صلاۀ جالسا بر او صدق نمی کند.

سوال می شود که اگر اطلاق قیام را ملتزم شویم در بحث سجود نیز باید همین را گفت؟ جواب مثبت است و به این مطلب تصریح شده است. حتی اگر امر مکلف دائر بین نماز نشسته با رکوع و سجود جلوسی یا قیام با ایماء به سجود باشد، محقق سیستانی صریحا فرموده اند که قیام کند و سجود را به صورت ایماء به جا آورد. می گویند نماز ایستاده مقدم بر نماز نشسته است، ولو اینکه نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود باشد. بنابراین قول دوم مبتنی بر این است که یکی از دو اطلاق دلیل ایماء یا دلیل قیام ثابت شود. ما عرض کردیم که هیچ کدام از دو دسته از دلیل، اطلاق ندارند. بعید نیست فرمایش محقق همدانی درست باشد که ان استطعتم اطلاق ندارد و بیانگر نماز های متعارف قیامی است و ظهور در این مطلب ندارد که هرجور شده است ولو با ایماء به رکوع، باید نماز قیامی خوانده شود. بنابراین فعلا اشکال ما این است که نه اطلاقی در بدلیت ایماء است برخلاف محقق خویی، و نه اطلاقی در ادله قیام است برخلاف محقق سیستانی که مدعی اطلاق ادله قیام هستند. عرف از «ان استطعتم فصلوا قائما» اینطور استظهار نمی کند که ایماء به رکوع در حال قیام شود و برای رکوع نباید نشست. انصاف این است که چنین ظهوری برای ما محرز نیست.

 ممکن است اشکال شود که اگر اینطور به اطلاق اشکال شود، پس کسی که می گوید من به هر حال باید ایماء به رکوع کنم، آیا می توانم به جای اینکه بایستم و ایماء کنم، بنشینم و ایماء کنم؟ اگر اطلاقات مورد مناقشه قرار گرفت، آیا اجازه می دهید که این آقا با اینکه می تواند ایستاده ایماء کند، بنشیند و ایماء کند؟ کسی اجازه نداده است و اجازه ندادن به خاطر این بوده است که در ان استطعتم فصلوا قائما اطلاق برداشت کرده اند. جواب می دهیم اینکه در فرض مذکور اجازه نداده اند که شخص بنشیند و ایماء کند و فرموده اند باید بایستد و ایماء کند به دلیل تمسک به اطلاقات قیام نیست، بلکه به خاطر وجود دلیل خاص است. در صحیحه علی بن جعفر در مورد عریان چنین آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ مَحْبُوبٍ‌ عَنِ‌ اَلْعَمْرَكِيِّ‌ الْبُوفَكِيِّ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ جَعْفَرٍ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ مُوسَى عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ قُطِعَ‌ عَلَيْهِ‌ أَوْ غَرِقَ‌ مَتَاعُهُ‌ فَبَقِيَ‌ عُرْيَاناً وَ حَضَرَتِ‌ الصَّلاَةُ‌ كَيْفَ‌ يُصَلِّي قَالَ‌ «إِنْ‌ أَصَابَ‌ حَشِيشاً يَسْتُرُ بِهِ‌ عَوْرَتَهُ‌ أَتَمَّ‌ صَلاَتَهُ‌ بِالرُّكُوعِ‌ وَ السُّجُودِ وَ إِنْ‌ لَمْ‌ يُصِبْ‌ شَيْئاً يَسْتُرُ بِهِ‌ عَوْرَتَهُ‌ أَوْمَأَ وَ هُوَ قَائِمٌ‌»[[8]](#footnote-8)

 بنابراین نماز قائما مومیا مقدم بر نماز جالسا همراه با ایماء است. اگر این روایت هم نبود ممکن بود به تناسب حکم و موضوع بفهمیم که قیام باید حدالمقدور رعایت شود. اما وقتی که امر دائر بین ایماء به رکوع قائما و قیام به رکوع جالسا، این تناسب حکم و موضوع دیده می شود، اما اگر یک طرف قیام با رکوع ایمایی است و یک طرف رکوع حقیقی جالسا بود معلوم نیست بتوان گفت که قیام با ایماء مقدم به دلیل تناسب حکم و موضوع مقدم بر رکوع جلوسی است.

#### کلام محقق سیستانی در بیان اطلاق بدلیت ایماء یا اطلاق شرطیت قیام

حال اگر محقق سیستانی بفرماید که در بدلیت ایماء اطلاق داریم که کسی که عاجز از رکوع مناسب با نمازش است، ایماء به رکوع کند یا بگوییم که ادله قیام اطلاق دارد، می گوییم حتی اگر این اطلاق ها را نیز قبول کنید، باز هم کافی نیست. چرا که این اطلاق با اطلاق وجوب رکوع تعارض می کند. نتیجه ی این تعارض نیز تخییر می شود. خلاصه فرمایش محقق سیستانی این است که ادله صلاۀ قیامی به دلیل اطلاقی که دارند، نماز قیامی مقدم بر نماز جلوسی است و چون نماز با ایماء، نماز قیامی است، بر فرض دیگر مقدم است. اگر به ایشان اشکال شود که با اطلاق رکوع تعارض می کنند، از لابلای کلمات ایشان استفاده می شود که می خواهند بفرمایند روایاتی داریم که تقدم رکوع ایمایی بر جلوسی را می رسانند. ایشان می فرمایند روایاتی که در مورد نماز در کشتی آمده است این مطلب را می رسانند. برخی از آن روایات عبارتند از:

1. صحیحه معاویۀ بن عمار:

«وَ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنِ‌ اَلْحُسَيْنِ‌ بْنِ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ فَضَالَةَ‌ عَنْ‌ مُعَاوِيَةَ‌ بْنِ‌ عَمَّارٍ قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنِ‌ الصَّلاَةِ‌ فِي السَّفِينَةِ‌ قَالَ‌ تَسْتَقْبِلُ‌ الْقِبْلَةَ‌ بِوَجْهِكَ‌ ثُمَّ‌ تُصَلِّي كَيْفَ‌ دَارَتْ‌ تُصَلِّي قَائِماً فَإِنْ‌ لَمْ‌ تَسْتَطِعْ‌ فَجَالِساً يَجْمَعُ‌ الصَّلاَةَ‌ فِيهَا إِنْ‌ أَرَادَ وَ يُصَلِّي عَلَى الْقِيرِ وَ الْقُفْرِ وَ يَسْجُدُ عَلَيْهِ‌»[[9]](#footnote-9)

1. صحیحه حماد:

« مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ‌ عِيسَى قَالَ‌: سَمِعْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ يُسْأَلُ‌ عَنِ‌ الصَّلاَةِ‌ فِي السَّفِينَةِ‌ فَيَقُولُ‌ «إِنِ‌ اسْتَطَعْتُمْ‌ أَنْ‌ تَخْرُجُوا إِلَى الْجَدَدِ فَاخْرُجُوا وَ إِنْ‌ لَمْ‌ تَقْدِرُوا فَصَلُّوا قِيَاماً وَ إِنْ‌ لَمْ‌ تَسْتَطِيعُوا فَصَلُّوا قُعُوداً وَ تَحَرَّوُا الْقِبْلَةَ‌»[[10]](#footnote-10)

ایشان می فرماید متعارف نماز در کشتی این بوده است که به خاطر عدم رعایت تعادل، افراد نمی توانستند رکوع کنند، لذا در کشتی اینطور بوده است که اگر می خواستند رکوع قیامی کنند تعادل آن ها به هم می خورد و می افتند زمین و با این حال امام فرموده اند که با ایماء بخواند، معلوم می شود که ایماء در حال قیام است.

1. صحیحه علی بن یقطین:

«أَحْمَدُ بْنُ‌ مُحَمَّدٍ عَنِ‌ اَلْحَسَنِ‌ بْنِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ يَقْطِينٍ‌ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ الْحُسَيْنِ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ يَقْطِينٍ‌ عَنْ‌ أَبِي الْحَسَنِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ السَّفِينَةِ‌ لَمْ‌ يَقْدِرْ صَاحِبُهَا عَلَى الْقِيَامِ‌ أَ يُصَلِّي وَ هُوَ جَالِسٌ‌ يُومِئُ‌ أَوْ يَسْجُدُ قَالَ‌ «يَقُومُ‌ وَ إِنْ‌ حَنَى ظَهْرَهُ‌ ».[[11]](#footnote-11)

یعنی در نماز نشسته اش دو فرض را مطرح کرده است که نماز نشسته با ایماء به سجود بخواند یا با سجود بخواند. امام در جواب طبق این نقل فرمودند که قیام کند ولو اینکه کمرش منحنی شود. اطلاق این روایت شامل جایی می شود که شخص متمکن از رکوع اختیاری در حال قیام نباشد و بخواهد با ایماء رکوع به جا آورد.

#### مناقشه در بیان محقق سیستانی

 این استدلال به نظر ما ناتمام است؛ زیرا:

1. این روایت انصراف به نماز ایستاده متعارف دارد که همراه با رکوع اختیاری و سجود است؛ وقتی می گوید تا می توانید ایستاده نماز بخوانید، منظور ایستاده معهود است؛ مخصوصا روایت علی بن یقطین که ایشان می گوید أوضح الروایات بر این مطلب است؛ زیرا این فرض هایی که ایشان مطرح می کند فرض های متعارفی نیست؛ بنابراین اطلاق ندارد.
2. اگر هم این اشکال را نکنیم و انصراف را مطرح نکنیم و قبول کنیم که اطلاق دارد، می گوییم با ادله خطاب ارکعوا و اسجدوا متعارض می شود؛ زیرا آن خطاب ها نیز می گویند شما باید رکوع و سجود عرفی کنید. اگر هم ادعای حکومت این ادله بر ادله رکوع مطرح شود، وجهی ندارد؛ زیرا فرض متعارف در صلاۀ در سفینه این فرض نیست که دوران بین رکوع ایمایی و رکوع جلوسی باشد تا بتوانیم به راحتی بگوییم که فرض متعارف را مطرح می کند و حاکم است. بنابراین اطلاق قیام با اطلاقات رکوع و سجود تعارض می کند. یا اگر هم ایشان در واجبات ضمنیه قائل به تزاحم هستند و تعارض را مطرح نمی کنند، می گوییم نهایتا تزاحم می کنند و تقدم قیام با ایماء بر جلوس و رکوع جلوسی، وجهی ندارد. البته یک فرمایشی محقق سیستانی دارند که در توجیه قول به صلاۀ قائما فرموده اند که یک راه این است که گفته شود بعد از اینکه شارع ایماء به رکوع را نیز بدل از رکوع قرار داد، عرف دیگر از خطاب ارکعوا، خصوص رکوع عرفی را برداشت نمی کند؛ زیرا قرآن نگفته است که در نماز رکوع و سجود کنید، قرآن اصل رکوع و سجود را مطرح کرده است. روایات هستند که رکوع و سجود را تفسیر کرده اند، حال می بینیم که در عرف متشرعه ایماء به رکوع و سجود هم داشته ایم، لذا شبهه این است که ارکعوا ظهور در خصوص رکوع عرفی نداشته باشد و جامع بین رکوع عرفی و ایمائی را می گوید. اگر این شبهه درست باشد دیگر اطلاق ارکعوا از کار می افتد و تعارض از بین می رود؛ لذا کسی که اطلاق فصلوا قیاما را قبول کند از اشکال معارضه خلاص می شود. بحث ما این بود که اصل اطلاق نیز محل تردید است. علاوه بر اینکه در آینده خواهد آمد که باید اثبات شود که ارکعوا ظهور در رکوع عرفی ندارد و به نظر ما اینکه معنای ارکعوا أعم از رکوع عرفی و ایمائی باشد، متعارف نیست. این برداشت عرفی نیست.

نکته ی آخر اینکه محقق سیستانی فرموده است ممکن است کسی در دفاع از کلام مشهور که قائل به تقدم رکوع جلوسی در فرض محل بحث شده اند، به ما اشکال کند که کسی که اول ایستاده است و فقط برای انجام رکوع می نشیند، اختلالی به قیام وارد نکرده است و منافاتی با ادله شرطیت قیام ندارد؛ زیرا قبل از رکوع ایستاده است و بعد از جلوس و انجام رکوع جلوسی، دوباره قرار است بایستد. بنابراین بر این نماز نیز نماز ایستاده صدق می کند و منافاتی با وجوب قیام ندارد.

 ایشان در جواب می فرماید از روایات استفاده می شود که قوام صلاۀ قیامی، به رکوع عن قیام است واینکه قبل از انجام رکوع جلوسی، زمانی را به قیام پرداخته است، اهمیتی ندارد؛ آنچه مهم است رکوع عن قیام است که قوام صلاۀ قیامی است. بنابراین ایشان می فرماید « ان استطعتم فصلوا قائما» می رساند که باید قیام صدق کند و صدق قیام به این است که رکوع عن قیام باشد، حال که نمی تواند رکوع حقیقی کنید، رکوع به ایماء کنید.

ان شاءالله در جلسه اینده به بررسی فرمایش ایشان خواهیم پرداخت.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/%D9%82%D8%A7%D8%A6%D9%85%D8%A7) [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره حج ، آيه 77. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حج ، آيه 77. [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص147.](http://lib.eshia.ir/10083/2/147/%D9%81%D8%B1%D8%B6)« الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ مِنَ الصَّلَاةِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ لَا يُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ أَجْزَأَهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَ يُسَبِّحَ وَ يُصَلِّيَ.». [↑](#footnote-ref-4)
5. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج15، ص32.](http://lib.eshia.ir/71334/15/32/%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%85) [↑](#footnote-ref-5)
6. . تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: 4 ص 30. [↑](#footnote-ref-6)
7. . تنقیح مباني العروة (الصلاة)، جلد: ۳، صفحه: ۱۸۸. [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص365.](http://lib.eshia.ir/10083/2/365/%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AA%D9%87) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص506، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/506/%DB%8C%D8%B5%D9%84%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص170.](http://lib.eshia.ir/10083/3/170/%D9%81%DB%8C%D9%82%D9%88%D9%84) [↑](#footnote-ref-10)
11. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص298.](http://lib.eshia.ir/10083/3/298/%DB%8C%D8%B3%D8%AC%D8%AF) [↑](#footnote-ref-11)